

فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، صص ۱۷۷-۱۴۹

ارزیابی برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم

غریب فاضل‌نیا^۱،

استادیار گروه جغرافیا دانشگاه زابل

مرتضی توکلی^۲

استادیار گروه جغرافیا دانشگاه زابل

کاظم تاجبخش^۳

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زابل

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۱۰

چکیده

مقوله فرهنگ از مهم‌ترین مسائل مؤثر بر توسعه در جوامع انسانی است. اصطلاح توسعه فرهنگی در سال‌های اخیر رایج شده و می‌تواند به تضادی که میان سنت و مدرنیته، میان مکان‌ها و سکونت‌گاه‌ها وجود دارد، پایان بخشد. هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل فرایند توسعه مناطق روستایی در بُعد فرهنگی است. بخش مرکزی شهرستان رستم به لحاظ توانمندی‌های فراوان به خصوص در زمینه کشاورزی و موقعیت استراتژیکی و استعدادهای بالقوه موجود در خود می‌تواند شایان توجه باشد. جامعه آماری در این پژوهش ۵۳ روستای بخش مرکزی شهرستان رستم را شامل می‌شود. روش انجام این پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده است. برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای - اسنادی و همچنین مطالعات میدانی، و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و Arc GIS و همچنین در تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیات از «شاخص ناموزون موریس» استفاده شده است. نتایج نشان داد بین سطح برخورداری روستاها از امکانات فرهنگی با شرایط جمعیتی، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین برنامه‌ریزی فرهنگی با شرایط اجتماعی و جغرافیایی هیچ رابطه معناداری یافت نشد.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی، استان فارس، توسعه فرهنگی، شهرستان رستم، مناطق روستایی.

1. fazelniya@uoz.ac.ir

2. tavakoly52@gmail.com

3. tajbakhsh@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

توسعه و توسعه روستایی به معنا و مفهومی که امروزه از آن مستفاد می‌شود، مفهومی با سابقه است، هرچند مفهوم آن از لحاظ محتوا و کارکرد در راستای ساماندهی توسعه در نواحی روستایی، به طور مداوم تغییر کرده است (یوان‌دی‌پی^۱، ۱۹۹۲). بسیاری از صاحب‌نظران توسعه، فرهنگ را به مثابه سنگ بنای توسعه قلمداد نموده‌اند، از این رو باید اذعان داشت، از جمله مسائلی که می‌تواند به توسعه روستاها کمک شایانی کند، توجه به مسئله فرهنگ در مناطق روستایی است. فرهنگ ابزار مؤثر و پویای انطباق جامعه با محیط جدید زیست است. توسعه فرهنگی می‌تواند به تضادی که میان نو و سنت، و میان شهر و روستا وجود دارد، پایان بخشد (اردلان، ۱۳۸۱: ۳۶).

کلمه فرهنگ در مسیر طولانی تاریخ، به تدریج گام تکامل را پشت سر گذاشته است. مطرح شدن فرهنگ به عنوان مهم‌ترین عامل در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها و ضرورت پرداختن به آن در برنامه‌ریزی‌ها، از آخرین گام‌هایی است که طی سال‌های اخیر برداشته شده است. با مطرح شدن موضوع برنامه‌ریزی در امور فرهنگی، بعضی از صاحب‌نظران به خاطر کیفی بودن مقوله فرهنگ، با آن مخالفت کرده‌اند، ولی برخی دیگر با برنامه‌ریزی آن موافق بوده‌اند. با وجود این، در این راه مشکلات متعددی وجود دارد که موجب تقلیل کارایی برنامه‌ریزی فرهنگی می‌شود. این مشکلات عمدتاً از ماهیت موضوع فرهنگ و مشکلات عام جامعه ناشی می‌شوند (احمدی، ۱۳۷۰: ۵).

با ناکام ماندن سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای مبتنی بر الگوی توسعه غرب و ملزومات فرهنگی آن در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته که عمدتاً در قالب فرهنگ توسعه مطرح بوده، به تدریج زمینه برای به‌کارگیری الگویی متناسب با فرهنگ جوامع مختلف توسط نهادها و سازمان‌های درگیر امر توسعه مهیا می‌شود، به گونه‌ای که سازمان فرهنگی یونسکو دهه (۱۹۹۷-۱۹۸۷) را دهه توسعه فرهنگی اعلام نموده است. اگر در فرهنگ توسعه، انطباق فرهنگ با الگوی توسعه غرب یا هر الگوی دیگری مطمح نظر است، در توسعه فرهنگی، انطباق توسعه با فرهنگ مورد توجه است. با اعلام دهه جهانی توسعه فرهنگی، به تدریج زمینه برای دستیابی به الگویی متناسب با شرایط فرهنگی و تاریخی - اجتماعی جوامع به اصطلاح عقب‌مانده فراهم می‌شود و به جای پذیرش الگویی واحد از توسعه و پیش‌فرض‌های نظری



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۵۰

دوره سوم
شماره ۳
پاییز ۱۳۸۹

و فرهنگی آن، سعی می‌شود متناسب با بافت تاریخی - فرهنگی جوامع مختلف، الگویی سازگار با این بافت توصیه شود (افروغ، ۱۳۷۹: ۶۴)؛ بدین‌سان توجه به مقوله فرهنگ و توسعه فرهنگی در الگوهای توسعه در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای، محلی و روستایی، اهمیت فراوانی دارد.

باید خاطر نشان کرد به‌رغم تلاش‌های بایسته و شایسته‌ای که در راستای توسعه فرهنگی کلان در کشور صورت گرفته، اما در مناطق روستایی به‌ویژه در زمینه توسعه فرهنگی و برنامه‌ریزی در بُعد فرهنگ، اقدام جدی صورت نگرفته است. در واقع به نظر می‌رسد، غالب اقدامات مرتبط با توسعه فرهنگی کشور در سطح کلان انجام شده و به روستاها توجه چندانی نشده است. با فرض اینکه فرهنگ عنصری کلیدی در توسعه به معنای عام و توسعه روستایی به معنای خاص است و نیز به عنوان سنگ بنای توسعه شناخته شده، لذا باید در زمینه گسترش آن در مناطق روستایی که از این جهت تاکنون مغفول مانده و کمتر مورد توجه بوده‌اند، اقدام شود.

بدون شک، فهم و ادراک و صد البته موفقیت این اقدامات مستلزم انجام تحقیقات و پژوهش‌های نظام‌مند و علمی است. تحقیق حاضر را از این جهت می‌توان تلاشی در این راستا تلقی نمود.

این مقاله درصدد است فرایند برنامه‌ریزی توسعه در بخش فرهنگ در مناطق روستایی را به‌ویژه از حیث زیرساخت‌ها و امکانات موجود و آینده مورد بررسی، تبیین و تحلیل علمی قرار دهد. بدین منظور ابتدا به بنیان نظری درباره فرهنگ و موضوعات مرتبط با آن پرداخته شده و در ادامه مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم در استان فارس به عنوان مطالعه موردی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. بخش مرکزی این شهرستان یکی از بخش‌هایی است که بیشتر جمعیت آن را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد و با توجه به بنیانی بودن توسعه روستاها و به‌خصوص نیاز به سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ در مناطق روستایی این منطقه، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بنابراین شناخت و آگاهی از وضعیت توسعه در بخش فرهنگی این بخش از ضروریاتی است که می‌توان طی یک ارزیابی در سطح مناطق روستایی انجام داد و راهکارهای لازم را در این زمینه شناخت و به رفع این معضل بزرگ اقدام نمود.

از جمله سؤالاتی که برای بحث و بررسی این موضوع در سطح مناطق روستایی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، عبارتند از:





۱. توزیع فضایی امکانات فرهنگی در روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم چگونه است؟

۲. وضعیت برنامه‌ریزی فرهنگی برای روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم چگونه است؟

فرضیه‌های این تحقیق که متناظر با سؤالات، مطرح شده‌اند به شرح ذیل هستند:

۱. توزیع فضایی امکانات فرهنگی در بخش مرکزی شهرستان رستم با شرایط محیطی و جمعیتی آن تناسب ندارد؛

۲. برنامه‌ریزی فرهنگی متناسب با شرایط اجتماعی و جغرافیایی، در روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم وجود ندارد.

چهارچوب نظری

در راستای تدوین و ارائه چهارچوب نظری تحقیق لازم است برخی واژه‌ها و مفاهیم مرتبط با موضوع تحقیق از جمله فرهنگ، توسعه فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی و غیره تعریف و تبیین شوند. بدین منظور با کنکاش در متون و ادبیات موجود درمی‌یابیم تعاریف متفاوت و زیادی توسط اندیشمندان و صاحب‌نظران از فرهنگ و مقولات فوق ارائه شده است. نظر به اهمیت این موضوع، ابتدا برخی از تعاریفی که انطباق بیشتری با اهداف تحقیق حاضر داشته‌اند، ارائه می‌شود و در انتها تعریفی عملیاتی از مقوله فرهنگ که مبنای تحلیل این مقاله قرار گرفته، ارائه می‌شود.

فرهنگ در تعریف کوهن عبارت است از دستاوردها، نهادها، عقاید و مجموعه‌ای از قواعد معاشرت و رفتارهای مرسوم که جامعه آن را برای بهره‌برداری از نیروهای بالقوه موجود در زیستگاه خاص خویش به کار می‌گیرد (کوهن، ۱۹۶۴، ۷۴).

از نظر هافستد^۱ تعریف فرهنگ به گفتار عموم عبارت است از مجموعه برنامه‌ریزی از ذهن که عضوهای یک گروه یا دسته‌ای از مردم با دیگری متمایز شده است (هافستد، ۲۰۰۱).

فرهنگ مجموعه‌ای کلی از اجزای معنوی، مادی، فکری و عاطفی است که جامعه یا گروهی را متمایز می‌سازد. فرهنگ نه تنها دربردارنده هنر و ادبیات است که شیوه‌های زندگی،

1. Cohen
2. Hofstede

حقوق اساسی بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را نیز شامل می‌شود (یونسکو، ۱۳۷۶: ۱۱۴).

فرهنگ یک اصطلاح دارای بار ارزشی است. طبق این تعریف فرهنگ می‌تواند شامل سیستم‌های اقتصادی، فرایندها و ایدئولوژی‌های عمومی، مؤسسات علمی، برنامه‌های اجتماعی، محیط، سیستم‌های تکنولوژیکی، ورزش‌های تفریحی، فعالیت‌های میراثی و هنری، صنایع حمل‌ونقل و ارتباطی، فعالیت‌های مذهبی و معنوی باشد. فرهنگ ایجادکننده فعالیت هنری و ابزار و خدمات تولیدشده به دست آن، و حفاظت از میراث انسانی است (برنامه آماری فرهنگ، ۲۰۰۴: ۹).

فرهنگ‌ها ممکن است در سطح چندگانه‌ای معین شوند، از فرهنگ کوچک محدود (مثل خانواده و سازمان) تا فرهنگ برتر و وسیع (ملتی با سیستم اقتصادی یکسان، نژادها، مذاهب و...) (اسنارکا، ۲۰۰۴).

توسعه فرهنگی به معنای اخص، مانند فرآیند توسعه اقتصادی دارای تعریف، محتوی و هدف‌های مشخصی است. مفهوم توسعه فرهنگی طی دهه ۱۹۷۰-۱۹۶۰ در برنامه‌های یونسکو تحول و شکل پذیرفت. توسعه فرهنگی نیز مانند توسعه آموزشی و توسعه علمی و فنی در آخرین تحلیل، مسیر و مبحث جداگانه‌ای نیست بلکه جزء جدایی‌ناپذیر توسعه عمومی و کلی است که وسیله، محتوی و غایت آن انسان است (اردلان، ۱۳۸۱: ۲۶ و ۲۷).

در گزارش کمیسیون امور فرهنگی برنامه ششم فرانسه (۱۹۷۵-۱۹۷۱) در مورد توسعه فرهنگی چنین می‌خوانیم: «توسعه فرهنگی یک جامعه در لحظه معینی از رشد اقتصادی و اجتماعی آن باید چگونگی روابط متقابل انسان و جامعه مورد نظر را تعیین کند. به این معنی که حد خودمختاری شخص، باید توانایی‌اش را برای تثبیت خود در جهان، برقراری ارتباط با دیگران و مشارکت بیشتر در جامعه و در عین حال توانایی رها کردن خود از چنگ آن نشان دهد. گرچه اعضای کمیسیون ممکن است دارای عقاید سیاسی متفاوتی باشند اما پاره‌ای از ارزش‌های فردی و اجتماعی برای آنان رشد فرهنگی را نهایت رشد و توسعه اقتصادی می‌دانند» (پهلوان، ۱۳۸۱: ۱۴).

توسعه فرهنگی فرایندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها و باورها، شخصیت ویژه‌ای را در آنها به وجود می‌آورد که حاصل





این باورها و قابلیت‌ها، رفتارها و کنش‌هایی است که مناسب توسعه است. به عبارتی حاصل فرایند توسعه فرهنگی کنار گذاشتن خرده‌فرهنگ‌های نامناسب توسعه‌ای است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۸).

توسعه فرهنگی یکی از مهم‌ترین وجوه توسعه پایدار است که به‌رغم اینکه تحت تأثیر رکن اجتماعی توسعه پایدار قرار گرفته، نباید از اهمیت بنیانی آن غافل شد. فرهنگ همچون چتری بر سر کلیه نهادهای اجتماعی (حکومت، اقتصاد، دین، علم، خانواده، آموزش) در زندگی روزمره اثرات خود را بر جای می‌گذارد (راهنمای مطالعات آمایش، ۱۳۸۵: ۷۲).

برنامه‌ریزی ابزار هرگونه اقدام در زمینه توسعه فرهنگی است. برنامه‌ریزان توسعه نیازمند آگاهی درونی از اجتماع و کشورشان هستند، نه فقط به این دلیل که آنها را قادر به تطابق سیاست‌های اقتصادی با نیازها و آرزوهای مربوط به جامعه سازد، بلکه به منظور کنترل و به‌کارگیری موفقیت‌آمیز نیروهای پویایی که قابل تعریف نیستند اما هویت مردمی را می‌سازند و از اجزای راهبردی هر فرهنگی هستند (یونسکو، ۱۳۷۶). برنامه‌ریزی فرهنگی عبارت است از: طراحی مجموعه‌ای از رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌ها، اقدامات و تدابیر برای مسائل فرهنگی بر اساس یک آینده محتمل و یا متصور (گودرزی، ۱۳۸۶). برنامه‌ریزی فرهنگی ملاک تصمیم‌گیری‌های اجرایی فرهنگی است (پیروزمند، ۱۳۸۶).

برنامه‌ریزی فرهنگی به معنای مأموریت ذاتی و یا دستوردهی در حوزه فرهنگی است. فرهنگ در این نگاه باید امر آزادی باشد که به دلخواه افراد جامعه تحولات و تغییراتش تصویر می‌شود. بیشتر اندیشمندان غربی در این دسته جای می‌گیرند. نقطه مقابل کسانی هستند که کاملاً به برنامه‌ریزی دقیق و خط‌دهی فرهنگی اعتقاد دارند. در این نگاه می‌توان کلیه امور فرهنگی را برنامه‌ریزی و اجرا نمود و در حقیقت فرهنگ را ساخت (گودرزی، ۱۳۸۶). عدم اطلاعات کافی راجع به فرهنگ ایرانیان از سویی و لزوم برنامه‌ریزی دقیق در حوزه فرهنگ برای ایجاد زمینه‌ای مناسب جهت اشاعه آن از سوی دیگر، ضرورت انجام پژوهشی فراگیر و با تکیه بر مبانی علمی را ایجاب می‌کند. پس باید توجهات لازم در زمینه فرهنگ صورت گیرد که این کار توسط برنامه‌ریزان فرهنگی انجام‌پذیر است.

در اینجا باید گفت که برنامه‌ریزی فرهنگی عبارت است از مدیریت، کنترل، اجرا و عملیاتی نمودن برنامه‌های فرهنگی و امکانات موجود و پیشنهادی با در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های خاص مکانی. بنابراین در این پژوهش اساس کار بر این قرار گیرد که شناخت فرهنگ و



گرایش‌های فرهنگی، امکانات فرهنگی موجود و ترسیم حد مطلوب امکانات فرهنگی و مقررات فرهنگی موجود و احیاناً اصلاح آنها و یا تدوین قوانین فرهنگی جدید از اقدامات اساسی و مهمی است که به منظور حراست از هویت فرهنگی و توسعه فرهنگ کشور ضروری می‌نماید. به نقش و جایگاه روستاها در فرایندهای توسعه فرهنگی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی از لحاظ فرهنگی، ضرورت توجه به توسعه فرهنگی مناطق روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه فرهنگی در مناطق شهری را موجب شده است. با برقراری تعادل مناسب بین امکانات موجود در مناطق شهری و روستایی و نیز ایجاد شرایط مناسب برای مشارکت وسیع مردم در تلاش‌هایی که برای توسعه فرهنگی در سطح ملی صورت می‌گیرد و بهره‌مندی از مواهب آن، گام بزرگی در جهت تحقق توسعه همه‌جانبه فرهنگی برداشته خواهد شد.

یونسکو در گزارش جهانی فرهنگ در سال ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ به ارائه شاخص‌های فرهنگی کشورهای مختلف جهان همراه با داده‌های مربوط به آنها پرداخته است. البته این شاخص‌ها به هیچ وجه بر ارزیابی جهانی فرهنگ تدوین نشده‌اند، زیرا فرهنگ جهان متنوع و پیچیده است. این شاخص‌ها تنها جنبه‌هایی از فرهنگ جهانی را که به آسانی قابل تشخیص است، نشان می‌دهند.

در گزارش سال ۱۹۹۸ یونسکو، حدود ۱۲۵ شاخص معرفی شده که طبقات اصلی شاخص‌های ارائه‌شده به شرح زیر است:

الف - فعالیت‌های فرهنگی شامل روزنامه، کتاب، کتابخانه، موسیقی، بایگانی و موزه‌ها، رادیو، تلویزیون، سینما، هنرهای نمایشی، تعطیلات عمومی، محوطه‌های میراث جهانی، تجارت کالای فرهنگی، جهانگردی بین‌المللی، ارتباطات و فناوری جدید.

ب - گرایش‌های فرهنگی شامل کتاب، روزنامه‌ها و اوراق چاپی، رادیو و تلویزیون، سینما، ارتباطات و سفر، مبادلات فرهنگی، پذیرش کنوانسیون‌های فرهنگی، کنوانسیون‌های حقوق بشر، ترجمه و انتشار کتاب به زبان‌های خارجی، ترجمه از زبان اصلی، نویسندگانی که آثارشان بیشتر ترجمه شده است، محیط زیست، کنوانسیون‌های میراث فرهنگی.

در گزارش سال ۱۳۷۸ این شاخص‌های فرهنگی در ایران در قالب طبقات اصلی ذیل طبقه‌بندی شده است:

رادیو و تلویزیون، سینما، عکس، ویدئو، نمایش (تئاتر)، موسیقی، ادبیات، معارف، میراث

فرهنگی، ورزش، گردشگری، هنرهای تجسمی، محیط زیست، بودجه فرهنگی، و فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور.

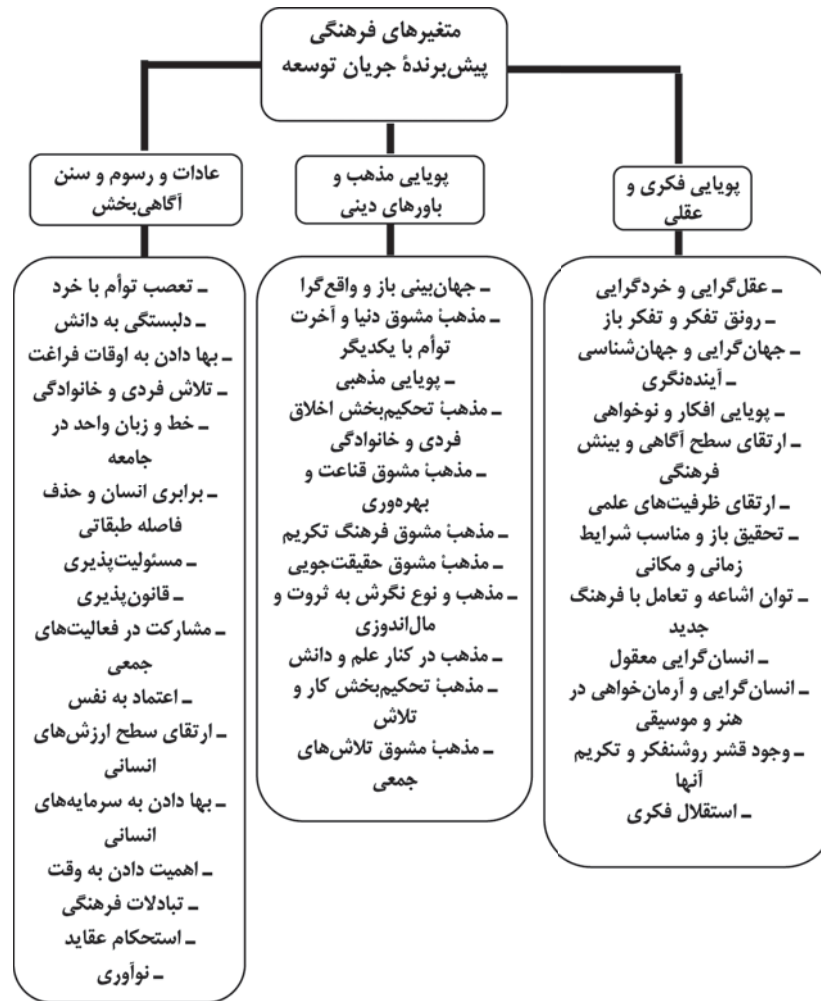
با توجه به شاخص‌های فرهنگی بیان‌شده در بالا، می‌توان به این نتیجه رسید که در کشورهای مختلف جهان اقدامات چندانی در خصوص تدوین شاخص‌های فرهنگی و ارزیابی آنها انجام نشده است. به عبارت دیگر، نگرش خاص و محدودی به مقوله فرهنگ وجود دارد. در واقع متناسب با سایر ابعاد فرهنگ، اقدامات چندانی برای شاخص‌سازی و ارزیابی فرهنگ به عمل نیامده است. شاخص‌های ارائه‌شده به گونه‌ای نیستند که بتوانند منعکس‌کننده خصوصیات حوزه فرهنگ مربوط به خود باشند.

با مطالعه متون و ادبیات نوشتاری در حوزه اندیشه توسعه و به موازات آن کنکاش در ادبیات و فرهنگ عامه، تدبیر در ارزش‌ها، باورها، بایدها و نبایدها، آداب و رسوم حاکم بر جوامع و نیز با تمرکز بر ادبیات و گفتمان محاوره‌ای حاکم بر مراودات روزمره آحاد جامعه و مهم‌تر از همه رصد الگوهای رفتاری شهروندان، به برخی از باورها و نگرش‌ها که اغلب در رفتار تک‌تک آنها نمود یافته و در موقعیت‌های خاص ظهور و بروز می‌یابد، برمی‌خوریم که می‌توان آنها را از حیث موافقت (تقویت‌کننده و پیش‌برنده جریان توسعه) و یا مخالفت با جریان تحول‌خواه توسعه (تضعیف‌کننده و عقب‌برنده جریان توسعه) مورد ارزیابی، تبیین و تحلیل علمی قرار داده و معرفی نمود. بر این اساس، مطالعات لازم صورت گرفت، و در نهایت لیستی از برخی از مهم‌ترین معرّف‌ها، عوامل، عناصر، متغیرها، و مؤلفه‌های فرهنگی دخیل در جریان توسعه (هم پیش‌برنده و هم عقب‌برنده جریان توسعه) تهیه گردید. به منظور فهم بهتر موضوع، معرّف‌های فوق تا حد امکان به صورت قرینه و در سه حوزه کلی لیست می‌شوند که این سه حوزه عبارتند از:

۱. پویایی فکری و عقلی و در مقابل آن جمود فکری و عقلی؛
 ۲. عادات، رسوم و سنن آگاهی‌بخش و در مقابل آن عادات، رسوم و سنت‌های بسته؛
 ۳. پویایی مذهب و باورهای دینی و در مقابل آن ایستایی مذهب و باورهای دینی.
- بر این اساس، در شکل‌های شماره ۱ و ۲ برخی از مهم‌ترین معرّف‌های عوامل، عناصر، متغیرها، و مؤلفه‌های فرهنگی دخیل در جریان توسعه (هم پیش‌برنده و هم عقب‌برنده جریان توسعه) در سه حوزه فوق، نشان داده شده است.



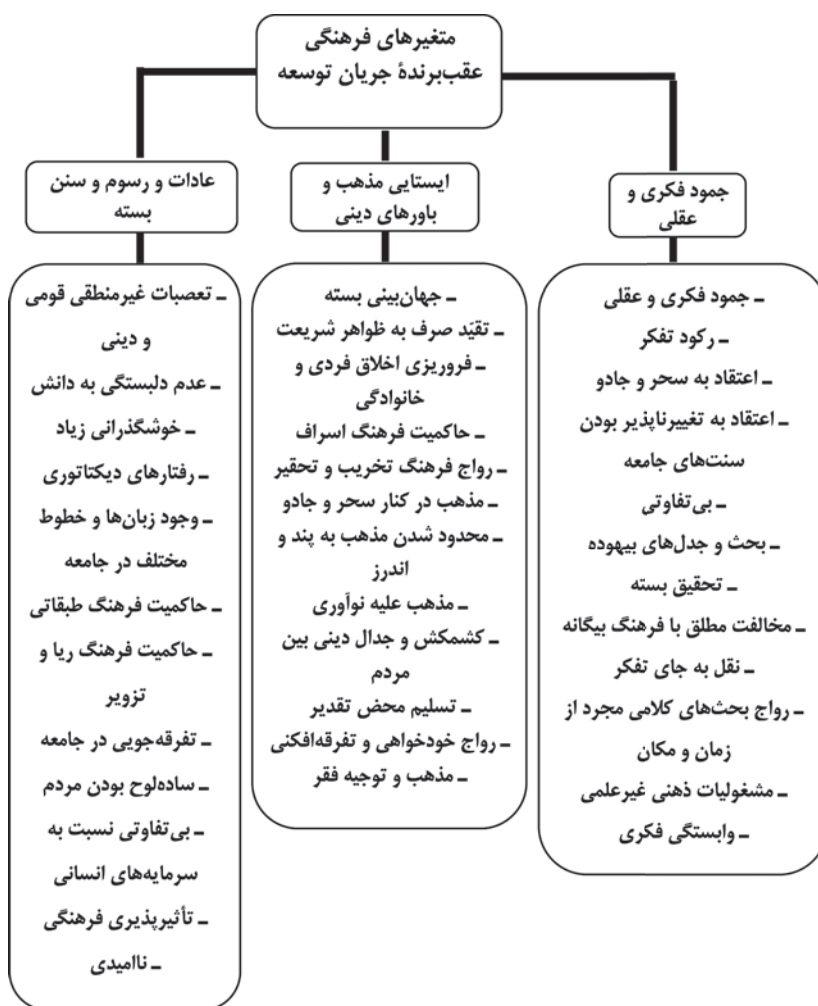
شکل ۱. متغیرهای فرهنگی پیش‌برنده توسعه



منبع: ستاری فر، ۱۳۷۴.



شکل ۲. متغیرهای فرهنگی عقب‌برندهٔ توسعه



منبع: ستاری فر، ۱۳۷۴.



بدون شک به منظور پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی، نیازمند مدیریتی یکپارچه و کارآمد می‌باشیم. در واقع توسعه فرهنگی در مناطق روستایی و به عبارتی موفقیت برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی، نیازمند سازوکارهای اجرایی است که هم‌اینک در قالب نهادهایی خاص در مناطق روستایی به طور مستقیم و یا غیرمستقیم، متولی امور فرهنگی در مناطق روستایی هستند. در جدول شماره ۱ فهرستی از نهادها و ادارات متولی توسعه فرهنگی مناطق روستایی آمده است.

جدول ۱. نهادها و ادارات متولی توسعه فرهنگی در مناطق روستایی

نهادها و ادارات	زیربخش‌های فعال در فرهنگ
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد
	خانه فرهنگ
سازمان تربیت بدنی	فعالیت‌های تربیت بدنی در مدارس
	کانون‌های ورزشی دانش‌آموزی
سازمان صدا و سیما	معاونت فنی در امور بهره‌برداری
سازمان تبلیغات اسلامی	دفتر امور فرهنگی
	معاونت اوقاف و امور خیریه
سازمان اوقاف و امور خیریه	معاونت امور فرهنگی
	دفتر آموزش و مسابقات قرآنی
	معاونت بقاع و اماکن متبرکه
سازمان ملی جوانان	طرح همیاران جوان (مشارکت جوانان در سازندگی)
شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی	معاونت تشکل‌ها و مشارکت‌های مردمی
	دهیاری‌ها
وزارت کشور	شورای اسلامی روستا
	شورای حل اختلاف
وزارت دادگستری	پایگاه‌های بسیج مقاومت
	پاسگاه‌های انتظامی
ستاد کل نیروهای مسلح	اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان
	مدارس
وزارت آموزش و پرورش	خانه ترویج
وزارت جهاد و امور کشاورزی	

منبع: شورای عالی انقلاب فرهنگی.





مروری بر سوابق فرهنگی در کشور نشان می‌دهد مسئولان فرهنگی، همیشه متوجه عظمت هدف و وسعت دامنه برنامه‌ریزی فرهنگی بوده‌اند، به همین جهت، در فصل نخست سیاست فرهنگی ایران (که در سال ۱۳۴۶ توسط شورای عالی فرهنگ و هنر به تصویب رسید) گفته‌اند «هدف کلی سیاست فرهنگی، ارتقای جامعه ایرانی به مقامی است که افراد آن با شناخت تمدن و فرهنگ پُراج ایران، در حفظ و گسترش آن بکوشند و با آگاهی از فرهنگ کشورهای دیگر جهان، خانواده بزرگ ایرانی را در سیر به سوی زندگانی بهتر و کمال معنوی، یاری دهند».

همچنین در برنامه عمرانی پنجم، در مقدمه برنامه بخش فرهنگ آمده است «... فرهنگ چیزی تجملی ویژه برگزیدگان یا مناطق ممتاز نیست بلکه جزء غیر قابل تفکیک زندگی اجتماعی، میراث مشترک همه افراد و سرزمین‌ها، یکی از ابعاد توسعه عمومی و از عوامل اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی است و هدف آن بهبود کیفیت زندگانی است» (پهلوان، ۱۳۵۳: ۵۷-۵۴).

می‌توان از مطالب بالا چنین برداشت کرد که هدف کلی در برنامه‌ریزی فرهنگی چیزی جز تقویت عامل بهبود کیفیت زندگی فردی و جمعی و یا امری جز رشد و تعالی انسان‌ها نیست (احمدی، ۱۳۷۰: ۲۳).

در قانون برنامه چهارم توسعه نیز به توسعه فرهنگی توجه شده و یکی از فصول این قانون به توسعه فرهنگی اختصاص دارد.

در ماده ۱۰۴ دولت مکلف است به منظور رونق اقتصاد فرهنگ، افزایش اشتغال، بهبود کیفیت کالا و خدمات، رقابت‌پذیری، خلق منابع جدید، توزیع عادلانه محصولات و خدمات فرهنگی و ایجاد بستر مناسب برای ورود به بازارهای جهانی، فرهنگ و هنر و تأمین فضاهای کافی برای عرضه محصولات فرهنگی اقداماتی به عمل آورد.

در ماده ۱۵۶ به منظور استفاده از توانمندی‌های شوراهای اسلامی شهر و روستا در انجام امور دینی و فرهنگی، شوراهای مذکور علاوه بر وظایف مصرحه در قانون تشکیل آنها، موظف به انجام وظایف دیگری نیز هستند که به تفصیل در این ماده آمده است.

همچنین ماده ۱۶۱ قانون برنامه چهارم توسعه به بازسازی سینماها و مجتمع‌های فرهنگی و ساخت سینماها و مجتمع‌های فرهنگی جدید و تالارهای نمایش در شهرهایی که بیش از پانزده هزار (۱۵۰۰۰) نفر جمعیت دارند، اختصاص دارد.

در ماده ۱۰۶ دولت مکلف است به منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز

حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، اقداماتی را انجام دهد.

با توجه به اهمیت گسترش فضاهاى مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل ساماندهی ساخت و ساز، احیا، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۱۶۳ موظفند طی سال‌های اجرای برنامه یک سری اقدامات را انجام دهند.

ماده ۱۰۹ قانون برنامه چهارم توسعه به حفظ و شناساندن هویت تاریخی ایران و بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی به‌ویژه زبان فارسی، اختصاص دارد.

یکی از مواد فصل نهم قانون برنامه چهارم توسعه به ترویج فرهنگ صلح، مفاهمه، عدم خشونت و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها در مناسبات بین‌المللی و تحقق گفتگو میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها اختصاص دارد. به منظور تبیین جایگاه جوانان، برنامه ساماندهی امور جوانان برای رشد فکری و ارتقای سطح مشارکت آنان در فرایند توسعه پایدار کشور و افزایش رفاه و سلامت جسمی و روانی و رفع دغدغه‌های گوناگون زندگی آنان در چهارچوب برنامه چهارم ظرف مدت شش ماه از تصویب این قانون تهیه نماید.

یکی دیگر از مواد این فصل به توسعه مفاهیم و نمادهای هویت اسلامی و ایرانی، در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و علمی و نیز تعامل اثربخش میان ایران فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبانی با رویکرد توسعه پایدار تأکید دارد. همچنین در این قانون تعیین شده تا به منظور اهتمام ملی در شناسایی، حفاظت، پژوهش، مرمت، احیا، بهره‌برداری و معرفی میراث فرهنگی کشور و ارتقای توان گردشگری، تولید ثروت و اشتغال‌زایی و مبادلات فرهنگی در کشور اقداماتی در طول برنامه چهارم به انجام برسد.

به منظور حفظ و حراست از میراث فرهنگی کشور و مرمت و احیای بافت‌ها و بناهای تاریخی - فرهنگی کشور نیز اقداماتی در قانون برنامه چهارم توسعه لحاظ شده است. در این قانون دولت موظف است به منظور حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار فرهنگی، هنری و امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر و مطبوعات و اهل قلم، بسترسازی برای حضور بین‌المللی در عرصه‌های فرهنگی و هنری و تنظیم مناسبات و روابط میان اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با امور فرهنگی و هنری اقداماتی را به عمل آورد. یکی دیگر از مواد این فصل از قانون برنامه چهارم توسعه به اصلاح ساختار تربیت بدنی، ترویج فرهنگ ورزش، توسعه کمی و



کیفی دسترسی به ورزش پرورشی و همگانی و توسعه نظام استعدادیابی، تقویت حضور بخش غیردولتی، توسعه امور پژوهشی و تربیت نیروی انسانی کیفی اختصاص دارد.

پیشینه تحقیق

با کنکاش در متون و ادبیات موجود و از جمله مقالات و گزارش‌ها و پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق درمی‌یابیم که بیشتر مقالات و پژوهش‌هایی که در زمینه فرهنگ و توسعه توهنگی به رشته تحریر درآمده‌اند، در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی قرار دارد و علاوه بر آن غالباً در سطح کلان انجام شده‌اند و به‌ویژه در آنها به مناطق روستایی کمتر توجه شده است. با این وجود تلاش شد تا با مطالعه و سیر در ادبیات موجود نیز مطالعه مقالات و گزارش‌های گوناگون در داخل و خارج کشور پیشینه تحقیق تکمیل و ارائه شود که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم. به نظر می‌رسد در حوزه تحقیق حاضر و با رویکرد این تحقیق به‌ویژه در منطقه مورد مطالعه، تحقیق مشابهی انجام نشده است.

مک کان^۱ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست‌های فرهنگی توسعه اقتصاد محلی: مفهوم‌سازی، محل‌سازی و فرایندهای سیاست شهری» به بررسی رقابت بر روی چگونگی ترسیم سندهای چشم‌انداز آینده محلات در روند سیاست‌های محلی مختلف تمرکز دارد. وی این چنین استدلال می‌کند که این مبارزه می‌تواند به عنوان یک سیاست فرهنگی مفید تلقی شود. نتایج نشان داد که سیاست فرهنگی، استفاده از واژه توسعه اقتصاد محلی است.

مک دونالد و جولیف^۲ (۲۰۰۳) در مقاله خود تحت عنوان «توسعه توریسم فرهنگی روستایی، مطالعه موردی: کانادا» پیشرفت فرهنگ توریسم روستایی در منطقه آکادین فرانسه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است که در جزیره‌ای در شرق کانادا واقع است. قوانین فرهنگی و شراکت مبتنی بر انجمن در این چهارچوب پیشنهادی با چهار مرحله توسعه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. نتایج نشان داد این چهارچوب برای توسعه توریسم روستایی مناسب و مفید است و فرهنگ که اغلب در مناطق روستایی به طور دست‌نخورده باقی می‌ماند، منبع ارزشمندی برای لحاظ کردن است و شراکت مبتنی بر انجمن همانند همیاری، ممکن است خیلی تأثیرگذار باشد.

اُکیس^۳ (۲۰۰۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «استراتژی‌های فرهنگی توسعه: مفاهیمی برای



1. McCann
2. Macdonald and Joliffe
3. Oakes



مناطق روستایی در چین» به بررسی این موضوع می‌پردازد که در اوایل دهه ۱۹۹۰ در چین، فرهنگ به آن حدی رسیده که به عنوان موضوع مهمی در منابع توسعه شناخته شود. در این تحقیق به بررسی استراتژی‌های توسعه فرهنگی دولت در تأمین نیازهای اولیه مردم پرداخته شده است. در این مطالعه ۳ روستا مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج نشان داد که استراتژی توسعه فرهنگی در روستاهای چین نشانه توسعه اقتصادی است.

موسایی (۱۳۷۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «اسلام و عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی» به رابطه فرهنگ و توسعه اقتصادی پرداخته است. در این تحقیق ابتدا رابطه فرهنگ و توسعه اقتصادی مورد ارزیابی قرار گرفته و سپس روابط خاص بین فرهنگ و توسعه و عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی بررسی شده است.

قمری (۱۳۷۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تأثیر تحولات فرهنگی بر توسعه اقتصادی: مورد ایران» به تأثیر تحولات فرهنگی بر توسعه اقتصادی با مرکزیت ایران پرداخته است. این تحقیق عوامل غیراقتصادی به‌ویژه ارزش‌ها و فرهنگ (تحولات فرهنگی) را زمینه‌ساز توسعه اقتصادی می‌داند. در این تحقیق، مشخصاً به برخی شاخص‌ها و ویژگی‌های ارزشی زمینه‌ساز توسعه اقتصادی پرداخته می‌شود و چگونگی تحولات در این نوع شاخص‌ها و رابطه آنها با توسعه اقتصادی ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

گلا/زگر (۱۳۷۹) در مقاله خود تحت عنوان «انواع بوروکراسی و توسعه فرهنگی؛ رویکردی وبری»، با بیان ویژگی‌ها و انواع ساختارهای سیاسی-اجتماعی و ارتباط تنگاتنگ آنها با ساختار اداری، به بررسی ارتباط متقابل میان آن ساختارها و توسعه فرهنگی می‌پردازد.

حسینی (۱۳۸۱) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی تحلیلی برنامه اول و دوم توسعه در بخش فرهنگ و مقایسه آن با برنامه سوم توسعه کشور از حیث واقع‌بینی و اثربخشی»، برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران را به چهار دوره تقسیم کرده است:

۱. از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۷ که بخش فرهنگ در آن جایگاه مستقل و مشخصی نداشت؛
۲. از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶ که در این فاصله، بخش فرهنگ هویت مستقل و مشخصی یافت؛
۳. از انقلاب اسلامی تا ۱۳۶۸ که در آن، جمهوری اسلامی فاقد سیاست و برنامه فرهنگی

مدون بود؛

۴. از سال ۱۳۶۸ تا به امروز که بخش فرهنگ دارای اهداف کیفی و کمی است.



طاهرخانی (۱۳۸۲) در مقاله خود تحت عنوان «توزیع جغرافیایی محصولات فرهنگی و نقش آن در مهاجرت جوانان روستایی، مطالعه موردی: استان قزوین» به بررسی شاخص‌های خدماتی و فرهنگی استان قزوین اعم از مناطق شهری و روستایی، در فاصله زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۷ پرداخت و به این نتیجه رسید که این دوره ده‌ساله را می‌توان دوره خروج مراکز روستایی استان از انزوای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با دوره گذار تلقی نمود، ولی به‌رغم گسترش خدمات زیربنایی، جمعیت روستایی از ۶۰ درصد به ۴۰ درصد رسیده است. نتایج این تحقیق نشان داد بین استفاده از انواع محصولات فرهنگی و مهاجرت جوانان روستایی، رابطه معناداری وجود دارد؛ به‌طوری‌که کالاهای فرهنگی الکترونیکی دارای بیشترین تأثیر و کالاهای فرهنگی مکتوب از کمترین تأثیر در مهاجرت برخوردار بوده‌اند.

رضوانی و صحنه (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «سنجش سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی با استفاده از روش منطق فازی: مطالعه موردی دهستان‌های شهرستان‌های آق‌قلا و بندر ترکمن» با استفاده از ۴۹ شاخص توسعه در ابعاد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی، درجه توسعه‌یافتگی دهستان‌های دو شهرستان آق‌قلا و بندر ترکمن را بر مبنای روش منطق فازی تعیین کردند. نتایج نشان داد که سطح برخورداری دهستان‌ها در هر یک از ابعاد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی با یکدیگر برابر نیست.

روش‌شناسی تحقیق

محدوده مکانی این تحقیق بخش مرکزی شهرستان رستم از استان فارس است. شهرستان رستم بین ۳۰ درجه و ۱۴ دقیقه و ۴۷/۸ ثانیه عرض جغرافیایی و ۵۱ درجه و ۳۱ دقیقه و ۱۰/۸ ثانیه طول جغرافیایی در بخش شمال غربی استان فارس قرار دارد. این شهرستان بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و با احتساب جمعیت عشایری، بالغ بر ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت داشته است. بر اساس آخرین تغییرات تقسیمات کشوری، شهرستان رستم با وسعتی در حدود ۱۲۰۰ کیلومتر مربع به مرکزیت شهر مصیری، دارای ۲ بخش (مرکزی و سورنا) و ۴ دهستان و ۲۲۰ روستا و آبادی است. بخش مرکزی شهرستان رستم ۵۳ روستای بالای ۲۰ خانوار دارد که محدوده تحقیق را در بر گرفته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

این شهرستان از نظر اقلیمی، در منطقه‌ای نیمه‌خشک واقع شده و به علت قرارگیری در



دامنه ارتفاعات زاگرس، از بارندگی خوبی بهره‌مند است. میانگین بارندگی در شهرستان رستم، ۴۱۷/۵ میلی‌متر در سال است. از رودهای مهم رستم می‌توان به رودخانه دایمی فهلیان، تنگ شیو (نیمه‌دائم)، رودخانه فصلی سولک، کره سیاه دهنو و کره سیاه زيردو نام برد که همه این رودخانه‌ها در بخش مرکزی شهرستان رستم قرار دارند و از منابع مهم تأمین معیشت روستاییان هستند و به‌خصوص در تأمین آب مورد نیاز کشاورزی سهم بسزایی دارند. شهرستان رستم از قطب‌های مهم کشاورزی در استان است و دارای ۹۰۰۰ هکتار زمین آبی و ۱۰۳۰۰ هکتار زمین دیم است. انواع برنج و محصولات استراتژیکی مانند گندم، جو، قند، ذرت و دیگر محصولات صیفی در این شهرستان به‌خوبی تولید می‌شود (طاهری، ۱۳۸۱: ۱۱۱۹-۱۰۵۳).

در سال ۱۳۸۵، تعداد خانوار شهرستان رستم ۹۱۳۴ خانوار و جمعیت این شهرستان ۴۵۳۷۷ نفر بوده که از این تعداد ۵۳۶۵ نفر ساکن در نقاط شهری و ۴۰۰۱۲ نفر در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. جمعیت دهستان‌های رستم به ترتیب: رستم یک ۱۹۸۸۲ نفر، رستم دو ۶۸۶۴ نفر، رستم سه ۹۵۲۵ نفر و پشتکوه رستم ۹۱۰۶ بوده است. مجموع دهستان‌های رستم یک و دو بخش مرکزی شهرستان را تشکیل می‌دهند. طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، از کل جمعیت شش‌ساله و بیشتر مناطق روستایی شهرستان رستم ۷۳/۴۱ درصد باسواد بوده‌اند. باسوادی برای مردان ۵۱/۸۹ درصد و برای زنان ۴۸/۱۱ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

به دلیل وجود روستاهای زیاد در بخش مرکزی شهرستان رستم که به عنوان محدوده مکانی تحقیق تعیین شده، روستاهای بالای ۲۰ خانوار به عنوان جامعه آماری این تحقیق در نظر گرفته شده‌اند.

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق بر دو بخش استوار بوده است:

(۱) مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای،

(۲) پژوهش و برداشت‌های میدانی.

در راستای تبیین و تدوین چهارچوب بنیان نظری تحقیق با روش مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، ضمن کنکاش در ادبیات موضوع به تعریف واژه‌ها و مفاهیم و نیز ارائه تعاریف عملیاتی مرتبط با تحقیق، برخی دیدگاه‌های مرتبط نیز مورد واکاوی قرار گرفت.

پس از ارائه چهارچوب نظری تحقیق با استفاده از روش پیمایش میدانی به جمع‌آوری، طبقه‌بندی و اخذ داده‌های میدانی در محدوده مورد مطالعه اقدام شد. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت انجام گرفت: در مرحله نخست اطلاعات رسمی از مرکز آمار ایران و سازمان‌ها



و ادارات محلی کسب شد و در مرحله دوم اطلاعات تکمیلی به صورت پرسشنامه تنظیم، و بدین صورت کار گردآوری اطلاعات سامان یافت.

در خصوص روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، با استفاده از اطلاعات حاصل از پرسشنامه جامع هر روستا که در زمینه‌های مختلف آموزشی، مذهبی، اداری، ورزشی، اجتماعی و غیره است به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده و بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از این پرسشنامه‌ها از روش گاتمن جهت رتبه‌بندی روستاها پرداخته شده است. در پایان، مراکز مؤثر بر توسعه فرهنگی موجود در روستا و شرایط محیطی و اجتماعی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های T-test و ضریب همبستگی پیرسون^۱ تجزیه و تحلیل شده‌اند. در تکمیل این تجزیه و تحلیل‌ها از نرم‌افزار Excel نیز استفاده شده است. تهیه نقشه‌ها از طریق نرم‌افزار GIS صورت گرفت. همچنین برای اثبات یا رد فرضیه دوم و به منظور تعیین سطوح برخورداری مناطق روستایی و تعیین میزان محرومیت آنها در زمینه توسعه فرهنگی، ۲۰ شاخص در زمینه‌های توسعه فرهنگی و برنامه‌های فرهنگی تعیین گردید. داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه از نهادها و متولیان امور فرهنگی به دست آمد. پس از محاسبه شاخص‌ها و متغیرها، با استفاده از «شاخص ناموزون موریس» به تعیین و اندازه‌گیری سطوح برخورداری و میزان محرومیت مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم پرداخته شد.

متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرهایی که در این تحقیق مورد استفاده و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند شامل متغیرهای مستقل و وابسته است و هر کدام از آنها دربرگیرنده مواردی به قرار ذیل است:

۱. مراکز فرهنگی شامل: (۱) مراکز آموزشی شامل کودکانستان، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه عمومی و نهضت سوادآموزی، (۲) مراکز نشر کتاب‌خوانی شامل کتابخانه و کتاب‌فروشی، (۳) آثار و بناهای تاریخی، (۴) اماکن متبرکه و موقوفات شامل مسجد، امامزاده، قبرستان، غسل‌خانه و خانه عالم، (۵) مراکز اداری شامل دهیاری، شورای روستایی، بانک، (۶) دکه‌های مطبوعاتی شامل دکه‌های روزنامه‌فروشی و مجله‌فروشی، (۷) اماکن ورزشی شامل زمین‌های ورزشی خاکی و سالن‌های ورزشی، (۸) مراکز فناوری اطلاعات و ارتباطات شامل پُست، پُست بانک، مخابرات

1. Pearson



و دکل، ۹) جاذبه‌های گردشگری طبیعی، ۱۰) مراکز تعاونی شامل تعاونی‌های تولیدی، خدماتی و تعاونی‌های مصرفی، ۱۱) مراکز اجتماعی شامل قهوه‌خانه‌ها، کافی‌شاپ‌ها و نانواپی‌ها، ۱۲) مراکز قضایی، امنیتی، بهداشتی و فراغتی و خدماتی شامل شورای حل اختلاف، پایگاه‌های بسیج مقاومت، پاسگاه‌های انتظامی، مراکز بهداشتی - درمانی و کانون‌های فرهنگی جوانان، دفاتر مسافربری و اتحادیه کارگری.

۲. متغیرهای توسعه فرهنگی شامل: ۱) میزان اختلافات بین مردم، ۲) میزان مشارکت مردم روستا در داشتن چشم‌انداز زیبا، ۳) میزان همبستگی مردم در ساخت‌وساز، ۴) حفظ و نگهداری از امکانات فرهنگی، ۵) توجه به اقوام برای کار، ۶) نحوه تعامل با افراد غیربومی، ۷) میزان آرامش و سکوت در روستا، ۸) تعداد افراد پذیرفته‌شده در کنکور، ۹) میزان مشارکت مردم در کارهای عام‌المنفعه، ۱۰) استفاده از وسایل مکانیزه در کشاورزی، ۱۱) میزان باسوادی زنان روستا.

۳. متغیرهای برنامه‌های فرهنگی (از نظر جنس و نوع برنامه) شامل: ۱) کمک به ایجاد زیرساخت، ۲) رشد خلاقیت، ۳) در نظر گرفتن فرهنگ بومی، ۴) بلندمدت بودن، ۵) فراگیری برنامه‌ها، ۶) مطالعه قبلی، ۷) آینده‌نگری، ۸) برطرف‌کننده محدودیت‌ها، ۹) افزایش زمینه توسعه، ۱۰) میزان وابستگی مالی به دولت، ۱۱) بنیادسنجی، نیازسنجی، ۱۲) تشویق به مشارکت، ۱۳) رشد سرمایه‌های محلی، ۱۴) توان هنری یا محلی.

متغیرهای وابسته تحقیق عبارتند از: ۱) شرایط محیطی شامل موقع طبیعی، محل قرارگیری، شکل روستا از لحاظ ریخت و فاصله روستا از شهر؛ ۲) شرایط جمعیتی شامل تعداد جمعیت و تعداد خانوار.

یافته‌های تحقیق

سطح برخورداری روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم از امکانات فرهنگی به تفکیک شرایط محیطی و اجتماعی در محیط نرم‌افزار SPSS و از طریق آزمون جدول متقاطع^۱ به دست آمده است. در این بررسی تعداد ۳۳ روستا در موقعیت دشتی و ۳ روستا در موقعیت کوهستانی و ۱۷ روستا در موقعیت کوهپایه‌ای قرار دارد. ۴۳ روستا دارای شکل متمرکز و ۱۰ روستا دارای شکل خطی متمرکز هستند. از ۵۳ روستای بخش مرکزی شهرستان رستم ۲۷ روستا در کنار



جاده اصلی آسفالته و ۲۶ روستا دور از جاده اصلی قرار دارد. از ۵۳ روستا ۲۶ روستا در فاصله بین ۰ تا ۵ کیلومتر قرار دارد و ۱۳ روستا در فاصله بین ۵ تا ۱۰ کیلومتر و همچنین ۱۴ روستای باقیمانده در فاصله ۱۰ تا ۱۵ کیلومتری. از ۵۳ روستای بخش مرکزی ۳۳ روستا دارای جمعیت ۰ تا ۳۰۰ نفر و ۱۱ روستا دارای جمعیت ۳۰۰ تا ۶۰۰ نفر و بقیه روستاها دارای جمعیت بالاتر از ۶۰۰ نفر است که ۹ روستا را در بر می‌گیرد.

به منظور تعیین میزان محرومیت روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم ۷ متغیر (میزان برخورداری از امکانات فرهنگی، تعداد جمعیت، تعداد افراد تحصیلکرده، تعداد معلم و محل قرارگیری و موقعیت طبیعی) تعیین گردید. پس از محاسبه شاخص‌ها و متغیرها، با استفاده از «شاخص ناموزون موریس» به تعیین و اندازه‌گیری سطوح برخورداری و توسعه نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم پرداخته شد. ساختار کلی مدل مورد استفاده به شرح زیر است:

$$\text{فرمول (۱)} \quad y_{ij} = \frac{X_{ij} - X_{\min}}{X_{\max} - X_{\min}}$$

Y_{ij} شاخص ناموزون برای متغیر i ام در واحد j ام؛

X_{ij} متغیر i ام در واحد j ام؛

X_{\min} حداقل مقدار i ام؛

X_{\max} حداکثر مقدار j ام.

شاخص اصلی توسعه در این مدل عبارت است از:

$$\text{فرمول (۲)} \quad D.I. = \frac{\sum_{i=1}^n y_{ij}}{n}$$

در اینجا n تعداد شاخص‌ها و متغیرهای مورد مطالعه است و $D.I.$ شاخص اصلی ضریب توسعه که مقدار آن بین صفر تا یک متغیر است؛ هرچه مقدار $D.I.$ بیشتر باشد، نشان‌دهنده درجه توسعه‌یافتگی بالاتر و هرچه مقدار آن کمتر باشد نشان‌دهنده درجه توسعه کمتر است. برای تفکیک و طبقه‌بندی سطوح برخورداری نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم با توجه به ضریب برخورداری، مناطق روستایی به چهار دسته شامل: توسعه‌یافته، کمتر توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته طبقه‌بندی شدند و پس از تجزیه و تحلیل از طریق شاخص ناموزون موریس نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۲. بررسی میزان محرومیت روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم

ردیف	میزان محرومیت	تعداد	درصد
۱	توسعه یافته	۳	۵/۶۶
۲	در حال توسعه	۷	۱۳/۲۱
۳	کمتر توسعه یافته	۲۲	۴۱/۵۱
۴	توسعه نیافته	۲۱	۳۹/۶۳
۵	مجموع	۵۳	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

بر این اساس از مجموع ۵۳ روستای موجود در بخش مرکزی تنها ۳ روستا توسعه یافته شناخته شدند که ۵/۶۶ درصد از کل روستاها را در بر می‌گیرد. بیشترین روستاها در رتبه کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته قرار دارند. تعداد روستاهای کمتر توسعه یافته ۲۲ روستاست که ۴۱/۵۱ درصد از روستاهای بخش مرکزی را در بر می‌گیرد و مناطق روستایی توسعه نیافته ۳۹/۶۳ درصد را شامل می‌گردد. تعداد روستاهای در حال توسعه نیز تنها ۷ روستا را در بر می‌گیرد و ۱۳/۲۱ درصد از کلیه روستاهاست.

پس از مشخص شدن سطح برخورداری روستاها از برنامه‌های فرهنگی در هر حوزه به تفکیک شرایط محیطی و اجتماعی، هر کدام از برنامه‌های توسعه فرهنگی بر اساس نمرات ۱ تا ۴ (۱. خیلی زیاد، ۲. زیاد، ۳. متوسط و ۴. کم) رتبه‌بندی شده‌اند. این نمرات بر اساس متغیرهای برنامه‌های توسعه فرهنگی داده شده و نشان می‌دهد که هر کدام از برنامه‌های توسعه فرهنگی در سطح مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم، تا چه میزان در بالا بردن و پیشبرد توسعه فرهنگی مؤثر هستند و یا به عبارت دیگر، عملکرد، رتبه و ضریب برخورداری هر کدام از برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی به چه میزان است. برای این کار در اینجا با استفاده از ۱۳ شاخص و متغیر در زمینه توسعه فرهنگی و با بهره‌گیری از «شاخص ناموزون موریس» به سنجش و تعیین سطوح عملکردی هر کدام از امکانات فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم و سپس به تحلیل آن پرداخته شده است. یادآوری این نکته نیز حائز اهمیت است که جنس برنامه‌های توسعه فرهنگی بر اساس پرسشنامه‌هایی بوده که از نهادها و ادارات مرتبط و متولی در امور فرهنگی در روستا و همچنین مصاحبه با افراد محلی گرفته شده است.



جدول ۳. میزان عملکرد برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم

ردیف	برنامه‌های توسعه فرهنگی	ضریب برخورداری از برنامه‌های توسعه فرهنگی	رتبه	میزان عملکرد برنامه‌های فرهنگی
۱	کودکستان	۰/۶۳	۱۸	۲
۲	ابتدایی	۰/۶۰	۲۴	۲
۳	راهنمایی	۰/۵۳	۲۸	۲
۴	متوسطه عمومی	۰/۷۰	۱۲	۲
۵	نهضت سوادآموزی	۰/۴۹	۲۹	۳
۶	زبانکده	۰/۶۷	۱۷	۲
۷	کتاب فروشی	۰/۴۰	۳۰	۳
۸	کتابخانه	۰/۱۹	۳۴	۴
۹	مسجد	۰/۶۹	۱۳	۲
۱۰	امامزاده	۰/۳۵	۳۲	۳
۱۱	موقوفات	۰/۷۴	۱۰	۲
۱۲	اتحادیه کارگری	۰/۹۴	۲	۱
۱۳	بسیج	۰/۵۴	۲۷	۲
۱۴	شورای روستایی	۰/۹۰	۴	۱
۱۵	شورای حل اختلاف	۰/۸۸	۷	۱
۱۶	دهیاری	۰/۹۴	۳	۱
۱۷	دفتر مسافری	۰/۵۵	۲۶	۲
۱۸	پاسگاه انتظامی	۰/۶۹	۱۴	۲
۱۹	بانک	۰/۹۰	۵	۱
۲۰	خانه بهداشت	۰/۶۳	۱۹	۲
۲۱	دکه‌های مطبوعاتی	۰/۳۹	۳۱	۳
۲۲	کانون‌های فرهنگی	۰/۳۵	۳۳	۳
۲۳	زمین ورزشی	۰/۵۶	۲۵	۲
۲۴	سالن ورزشی	۰/۸۰	۹	۱
۲۵	پُست	۰/۸۷	۸	۱
۲۶	پُست بانک	۰/۹۰	۶	۱
۲۷	مخابرات	۰/۷۴	۱۱	۲
۲۸	دکل‌های ارتباطی	۰/۶۲	۲۲	۲
۲۹	تعاونی تولیدی	۰/۹۶	۱	۱



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۷۰

دوره سوم
شماره ۳
پاییز ۱۳۸۹

ردیف	برنامه‌های توسعه فرهنگی	ضریب برخورداری از برنامه‌های توسعه فرهنگی	رتبه	میزان عملکرد برنامه‌های فرهنگی
۳۰	تعاونی خدماتی	۰/۶۱	۲۳	۲
۳۱	فروشگاه تعاونی	۰/۶۹	۱۵	۲
۳۲	قهوه‌خانه	۰/۶۹	۱۶	۲
۳۳	کافی‌شاپ	۰/۶۳	۲۰	۲
۳۴	نانوایی	۰/۶۳	۲۱	۲

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طوری که در جدول شماره ۳ نیز مشاهده می‌کنید، میزان عملکرد هر کدام از برنامه‌های مؤثر در توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم ارزیابی گردیده است. ارزیابی عملکرد بر اساس متغیرهای گوناگونی صورت گرفت. این متغیرها با توجه به مطالعات نگارنده در کتب و مقالات گوناگون لاتین و فارسی استخراج گردیده است. متغیرهای این ارزیابی شامل موارد ذیل است:

میزان کمک به ایجاد زیرساخت‌های گوناگون، میزان تأثیرگذاری بر رشد خلاقیت، میزان در نظر گرفتن فرهنگ بومی، میزان حوزه نفوذ هر کدام از برنامه‌ها، اساس قرار دادن مطالعات قبلی در برنامه‌ها، میزان آینده‌نگری برنامه‌ها، میزان برطرف‌کنندگی محدودیت در برنامه‌ها، میزان پیشبرد زمینه توسعه، میزان وابستگی مالی به نهادهای دولتی، بنیادسنجی (اینکه در برنامه‌ها به نیازهای مردم توجه کافی می‌شود)، میزان تشویق مردم به مشارکت در امور گوناگون، میزان تأثیرگذاری بر رشد سرمایه‌های محلی و در آخر توان‌های هنری و محلی (اینکه در هر کدام از برنامه‌ها به چه میزان به توان‌های هنری و فرهنگی محلی توجه شده است).

پس از تحلیل و ارزیابی برنامه‌ها که بر اساس فاکتورهای بالا صورت گرفت و همچنین از طریق پرسشنامه تهیه گردید، ضریب برخورداری و رتبه هر کدام از برنامه‌ها به دست آمد و نتایج آن در ستون میزان عملکرد برنامه‌ها آمده است. در میان برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم، تعاونی تولیدی، اتحادیه کارگری، دهیاری‌ها، شورای اسلامی روستایی، بانک و پُست بانک بیشترین تأثیر را در جهت توسعه فرهنگی در سطح روستاها داشته‌اند و نشان از میزان تأثیرگذاری بالای این مراکز و برنامه‌ها در سطح روستاها بوده و از میان رتبه‌های داده‌شده، رتبه «خیلی زیاد» را گرفته‌اند؛ یعنی اینکه برنامه‌های





مذکور در جهت توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم بسیار زیاد تأثیر داشته‌اند و نشان از میزان تأثیرگذاری بالای این مراکز و برنامه‌ها در سطح روستاها بوده است. تعاونی تولیدی روستایی نقش مؤثری در بالا بردن زیرساخت‌های مختلف در سطح روستاها و همچنین در رشد خلاقیت‌های گوناگون فردی و اجتماعی داشته است. این تعاونی نهادی است که در برنامه‌های خود به فرهنگ بومی و محلی توجه لازم و کافی را داشته که این امر می‌تواند ناشی از افزایش کشاورزی در منطقه و میزان رفت‌وآمد و نیازهای روستاییان به این تعاونی باشد. از نظر سایر متغیرها، این تعاونی رتبه «خیلی زیاد» را گرفته است؛ بدین معنا که تشکیل این نهاد بر اساس مطالعات دقیق قبلی بوده و در این مطالعات آینده‌نگری و یا همان بلندمدت بودن مد نظر قرار گرفته است. تعاونی‌های تولیدی در شهرستان به عنوان مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نهاد در رفع محدودیت‌ها شناخته شدند و به همین جهت نقش بسیار مؤثری در بالا بردن و پیشبرد توسعه در سطح مناطق روستایی دارند. این مراکز از نظر مالی هم به دولت و هم به مردم وابسته هستند. این مراکز تعاونی بر اساس نیاز مردم و مناطق روستایی، تشکیل و به کار اشتغال دارند. تعاونی‌های تولیدی در سطح مناطق روستایی، روستاییان را در انجام بهتر کارها و فعالیت‌ها به مشارکت وامی دارند؛ بنابراین با توجه به اینکه تعاونی‌ها تلاش می‌کنند که از توان‌های محلی و بومی استفاده کنند، موجب بالا رفتن سرمایه آنها می‌شوند.

اتحادیه کارگری، دهیاری‌ها و شوراهای نقش کلیدی در جهت توسعه، بالاخص در جهت توسعه فرهنگی در سطح مناطق روستایی داشته‌اند. اتحادیه کارگری و دهیاری‌ها به جز اینکه حوزه نفوذ بیشتری نسبت به شورای اسلامی روستایی دارند، در بقیه موارد همواره نقشی مشابه با شوراهای اسلامی روستا در سطح مناطق روستایی ایفا می‌کنند.

پس از تجزیه و تحلیل همچنین اثبات گردید که تنها مرکز دارای تأثیر «کم» کتابخانه‌ها هستند و پایین‌ترین رتبه را در بین مراکز فرهنگی کسب کرده است. دلیل عمده آن به تک‌بعدی بودن کتابخانه‌ها برمی‌گردد؛ یعنی اینکه کتاب‌های امانت داده شده در این کتابخانه‌ها بیشتر در مورد مسائل دینی و مذهبی است و به بقیه زمینه‌های فکری و علاقه روستاییان توجه نشده که این مورد عوامل و پیامدهای گوناگونی را در پی دارد. یکی از این پیامدها این است که کتابخانه‌ها در سطح مناطق روستایی نتوانسته‌اند در جهت کمک به ایجاد زیرساخت نقش مؤثری ایفا کنند. همچنین در رشد خلاقیت‌ها تأثیر خیلی کمی داشته و متناسب با فرهنگ بومی منطقه نیستند و این پیامد خود این نتیجه را در پی دارد که حوزه نفوذ آن حتی به تمام روستای

محل خود نیز نرسد. کتابخانه‌ها در جهت رفع محدودیت‌ها و بسترسازی مناسب برای توسعه نقش بسیاری کمی دارند که از دلایل آن در نظر نگرفتن نیازهای مردم محل است که عدم مشارکت مردم را در پی داشته است.

با توجه به فرضیه اول که «توزیع فضایی امکانات فرهنگی در بخش مرکزی شهرستان رستم با شرایط محیطی و جمعیتی آن تناسب ندارد»، در اینجا به تجزیه و تحلیل و بررسی فرضیه مذکور پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۴ همبستگی بین متغیرهای توسعه فرهنگی و همچنین ویژگی‌های جمعیتی و شرایط محیطی را با سطح برخورداری از امکانات فرهنگی نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول نشان داده شده است، بین سطح برخورداری از امکانات فرهنگی در روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم با تعداد افراد پذیرفته‌شده در دانشگاه به عنوان یکی از متغیرهای توسعه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه در ضریب همبستگی $0/520$ و در سطح معناداری ۱ درصد است. این رابطه نشان می‌دهد که روستاهایی که از امکانات فرهنگی بیشتری برخوردارند، بنابراین رابطه مستقیمی با تعداد افراد پذیرفته‌شده در دانشگاه دارد و افزایش رشد قبولی در دانشگاه را منجر می‌شود.

بین سطح برخورداری از امکانات فرهنگی و میزان باسوادی زنان روستایی در بخش مرکزی نیز رابطه معناداری در ضریب همبستگی $0/483$ و در سطح ۱ درصد وجود دارد که نشان می‌دهد هرچه میزان برخورداری روستاها از امکانات فرهنگی بیشتر باشد، در نتیجه باعث افزایش باسوادی در بین زنان روستایی می‌شود.

بین سطح برخورداری از امکانات فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم و تعداد جمعیت این روستاها نیز رابطه معناداری در ضریب همبستگی $0/483$ و در سطح ۱ درصد وجود دارد. رابطه مذکور نشان می‌دهد هرچه تعداد جمعیت روستاها افزایش یابد، میزان برخورداری مناطق روستاها از امکانات فرهنگی بیشتر است.

همبستگی در سطح ۱ درصد و ۵ درصد معنادار است و فرضیه را اثبات می‌کند، در غیر این صورت فرضیه رد می‌شود. بر این اساس بین سطح برخورداری از امکانات فرهنگی به عنوان متغیر مستقل و فاصله روستاها تا شهر در سطحی بیش از ۵ درصد است که نشان از عدم وجود رابطه معناداری در بین این دو متغیر دارد.



جدول ۴. تعیین همبستگی در اثبات یارد فرضیه اول

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نوع آزمون	اثبات یا رد فرضیه
۱	سطح برخورداری از امکانات	تعداد افراد قبول شده در دانشگاه	۰/۵۲۰	۱ درصد	پیرسون	اثبات فرضیه
۲	سطح برخورداری از امکانات	میزان باسوادی زنان	۰/۴۸۳	۱ درصد	پیرسون	اثبات فرضیه
۳	سطح برخورداری از امکانات	تعداد جمعیت	۰/۴۸۳	۱ درصد	پیرسون	اثبات فرضیه
۴	سطح برخورداری از امکانات	فاصله روستا تا شهر	۰/۲۱۷	بیش از ۵ درصد	پیرسون	رد فرضیه

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول بالا میزان همبستگی بین عملکرد برنامه‌ها و شرایط جغرافیایی و اجتماعی را نشان می‌دهد. در ابتدا لازم به یادآوری است که فرضیه‌ها در سطح ۱ تا ۵ درصد اثبات و در غیر این صورت رد می‌شوند. همان‌طور که جدول نیز نشان می‌دهد در هیچ‌کدام از متغیرها رابطه معناداری یافت نشد.

جدول ۵. تعیین همبستگی در اثبات یارد فرضیه دوم

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نوع آزمون	اثبات یا رد فرضیه
۱	میزان عملکرد برنامه‌ها	نوع روستا از لحاظ ریخت	-۰/۰۱۴	بیش از ۵ درصد	پیرسون	رد فرضیه
۲	میزان عملکرد برنامه‌ها	فاصله تا شهر	-۰/۲۶۴	بیش از ۵ درصد	پیرسون	رد فرضیه
۳	میزان عملکرد برنامه‌ها	تعداد جمعیت	۰/۰۶۴	بیش از ۵ درصد	پیرسون	رد فرضیه
۴	میزان عملکرد برنامه‌ها	موقع طبیعی روستا	۰/۱۴۰	بیش از ۵ درصد	پیرسون	رد فرضیه
۵	میزان عملکرد برنامه‌ها	محل قرارگیری روستا	-۰/۰۴۶	بیش از ۵ درصد	پیرسون	رد فرضیه
۶	میزان عملکرد برنامه‌ها	تعداد افراد قبول شده در دانشگاه	-۰/۱۳۰	بیش از ۵ درصد	پیرسون	رد فرضیه

منبع: یافته‌های پژوهش



نتیجه‌گیری

در اثبات یا رد فرضیه اول می‌توان گفت که با توجه به جدول و همچنین توضیحات بالا، این فرضیه که در واقع شامل دو قسمت می‌باشد، در قسمت مربوط به شرایط جمعیتی فرضیه رد می‌شود و چنین نتیجه گرفته می‌شود که توزیع فضایی امکانات فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم با شرایط جمعیتی تناسب دارد، اما در قسمت مربوط به شرایط محیطی فرضیه اثبات می‌گردد؛ یعنی اینکه توزیع فضایی امکانات فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم با شرایط محیطی تناسب ندارد.

در اثبات یا رد فرضیه اول می‌توان گفت همه متغیرهای جغرافیایی و اجتماعی با میزان عملکرد برنامه‌ها رابطه معنادار نداشتند و این نشان از اثبات فرضیه دوم دارد؛ یعنی «برنامه‌ریزی فرهنگی متناسب با شرایط اجتماعی و جغرافیایی، در روستاهای بخش مرکزی شهرستان رستم وجود ندارد».

با توجه به نتایجی که از تحقیق به دست آمد و همچنین در بخش اثبات فرضیات که به تفصیل در مورد آن پرداخته شد، می‌توان پیشنهاداتی در زمینه توسعه فرهنگی در سطح مناطق روستایی و بالاخص در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم ارائه نمود. پیشنهادات به قرار زیر است:

۱. به لحاظ اینکه برای روستاهای دارای موقعیت کوهستانی و با فاصله زیاد از شهر هیچ‌گونه برنامه‌ای در زمینه توسعه فرهنگی صورت نگرفته، بنابراین در اولویت اول برای تخصیص امکانات فرهنگی، این روستاها پیشنهاد می‌شوند.

۲. به لحاظ تأثیرگذاری، شوراهای اسلامی روستا، دهیاری‌ها، اتحادیه کارگری، تعاونی تولیدی، پُست بانک و بانک از جمله امکاناتی هستند که در جهت توسعه فرهنگی در سطح روستاها از درجه بالایی برخوردار هستند؛ بنابراین برنامه‌های مذکور می‌توانند در جهت توسعه فرهنگی در سطح مناطق روستایی در اولویت قرار بگیرند.

۳. عملکرد برنامه‌های توسعه فرهنگی در سطح مناطق روستایی بستگی به هیچ شرایط جغرافیایی و اجتماعی ندارد، بنابراین اختصاص دادن برنامه‌های مختلف توسعه فرهنگی به روستاها هیچ مغایرتی با شرایط آن روستا ندارد.



منابع

- احمدی، ح. (۱۳۷۰) *روش برنامه‌ریزی در بخش فرهنگ*، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- اردلان، ف. (۱۳۸۱) «توسعه فرهنگی از دیدگاه یونسکو»، *توسعه فرهنگی (مجموعه مقالات)*، چاپ اول.
- افروغ، ع. (۱۳۷۹) «فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی»، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگ و دانش.
- پهلوان، چ. (۱۳۵۳) «برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران»، *نشریه فرهنگ و زندگی*، شماره ۳۲۳.
- _____ (۱۳۸۱) «دریاباره توسعه فرهنگی»، *توسعه فرهنگی (مجموعه مقالات)*، چاپ اول.
- پیروزمند، ع. (۱۳۸۶) «ضرورت مدل فرهنگی برای برنامه‌ریزی فرهنگی»، *پژوهشنامه برنامه‌ریزی فرهنگی در دانشگاه‌ها، معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری*، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، شماره ۴۳.
- حسینی، الف. (۱۳۸۱) «بررسی تحلیلی برنامه اول و دوم توسعه در بخش فرهنگ و مقایسه آن با برنامه سوم توسعه کشور از حیث واقع‌بینی و اثربخشی»، *نشریه دانشور*، شماره ۱۰، صص ۵۲-۴۱.
- رضوانی، م.؛ صحنه، ب. (۱۳۸۴) «سنجش سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی با استفاده از روش منطق فازی: مطالعه موردی دهستان‌های شهرستان‌های آق‌قلا و بندر ترکمن»، *فصلنامه روستا و توسعه*، سال هشتم، شماره ۳، صص ۳۲-۱.
- ستاری، فر. م. (۱۳۷۴) *درآمدی بر سرمایه و توسعه*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- شورای انقلاب فرهنگی، (۱۳۸۸)
- <http://www.iranculture.org/nahad/index.php29/10/1388>
- طاهرخانی، م. (۱۳۸۲) «توزیع جغرافیایی محصولات فرهنگی و نقش آن در مهاجرت جوانان روستایی مطالعه موردی: استان قزوین»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۴۶، زمستان، صص ۹۷-۸۷.
- طاهری، ع. (۱۳۸۱) *فارسنامه دوم (شناختی تاریخی، فرهنگی، اقتصادی)* جلد دوم، تهران: انتشارات میرزای شیرازی.
- قمری، الف. (۱۳۷۹) «تأثیر تحولات فرهنگی بر توسعه اقتصادی: مورد ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع) تهران.
- گدازگر، ح. (۱۳۷۹) «انواع بوروکراسی و توسعه فرهنگی: رویکردی وبری»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۴۳، تبریز، صص ۲۵۶-۲۲۹.
- گودرزی، غ. (۱۳۸۶) «برنامه‌ریزی فرهنگی، آسیب‌ها و بایسته‌ها، رویکردی آینده‌نگر»، *پژوهشنامه برنامه‌ریزی فرهنگی در دانشگاه‌ها، معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، شیراز: سالنامه آماری استان فارس.
- موسایی، م. (۱۳۷۳) *اسلام و عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.



یونسکو (۱۳۷۶) *بعد فرهنگى توسعه به سوى يك رهيافت علمى*، مترجم: تیمور محمدی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادى - اجتماعى و انتشارات. چاپ اول.

_____ فرهنگ و توسعه، رهيافت مردم‌شناختى توسعه، مترجم: نعمت‌الله فاضلى و محمد فاضلى، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، چاپ اول.

مرکز ملی آمایش سرزمین (۱۳۸۵) *راهنمای مطالعات آمایش*، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اقتصادى و هماهنگى برنامه و بودجه.

McCann, E. J. (2002) "The Cultural Politics of Local Economic Development: Meaning-Making, Place-Making, and The Urban Policy Process", *Geoforum*, Vol. 33(3):385-398

Cohen, Y. A. (1964) "The Establishment of Identity in a Social Nexus: The Special Case of Initiation Ceremonies and Their Relation to Value and Legal System", *American Anthropologist*, Vol.4 (29) :529-552.

Culture Statistics Program, (2004) "Canadian Framework for Culture Statistics. Culture, Tourism and the Center for Education Statistics Research Papers", *Catalogue*, Vol.-(81) : -.

Hofstede, G. (2001) *Culture's Consequences: Comparing Values, Behaviors, Institutions, and Organizations across Nations*, Beverly Hills. CA: Sage Publications.

Macdonald, R. Jolliffe, L. (2003) "Cultural Rural Tourism Evidence From Canada", *Annals of Tourism Research*, Vol. 30(2) : 307-322.

Oakes, T (2006) "Cultural Strategies of Development: Implications for Village Governance in China", *The Pacific Review*, Vol. 19(1) : 13-37.

Srnka, K.J. (2004) Culture's Role in Marketers' Ethical Decision Making: An Integrated Theoretical Framework, *Acad Mark Sci Rev*, Vol. (1) : 1-34.

UNDP (1992) *Human Development Report*, New York : Oxford University Press.

